

## جهان آشفته، بربریت کاپیتالیسم در تجربه سال ۲۰۲۴

(بخش اول)

رحمان حسین زاده

صفحه ۳

## آیا بازار و سرمایه داری کاراترین و مقدورترین الگوی اقتصادی است؟

با منصور حکمت در مارکسیسم و جهان امروز

صفحه ۴

## کارگران کمونیست و تحزب کمونیستی

در باره خط آنتی تحزب

سیاوش دانشور

صفحه ۷

## مردم باید انتخاب کنند

بخشی از مصاحبه نشریه انترناسیونال هفتگی با منصور حکمت

صفحه ۶

## سیاست کثیف گروگانگیری جمهوری اسلامی برای آزادی

تروریست ها و قاتلین از زندان

سعید یگانه

صفحه ۱۰

## ستون اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات اجتماعی

تهیه و تنظیم: هیئت تحریریه

### آزادی، برابری، رفاه

از یک دنیای بهتر

تصویر همه از یک زندگی مطلوب و یک دنیای ایده آل بیشک یکی نیست. اما با اینهمه مقولات و مفاهیم معینی در طول تاریخ چند هزار ساله جامعه بشری دائما بعنوان شاخص های سعادت انسان و تعالی جامعه به طرق مختلف برجسته و تکرار شده اند، تا حدی که دیگر بعنوان مفاهیمی مقدس در فرهنگ سیاسی توده مردم در سراسر جهان جای گرفته اند. آزادی، برابری، عدالت و رفاه در صدر این شاخص ها قرار دارند.

دقیقا همین ایده آله بنیادهای معنوی کمونیسم کارگری را تشکیل میدهند. کمونیسم کارگری جنبشی برای دگرگونی جهان و برپایی جامعه ای آزاد، برابر، انسانی و مرفه است.

۷۸۴

# مصلحتی کمونیست

حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست  
Worker-communist Party of Iran  
Hekmatist

۱۴ دی ۱۴۰۳ - ۳ ژانویه ۲۰۲۵

## اوضاع جامعه ایران متحول

است،

### جامعه انفجاری است!

اوضاع ایران انفجاری و متحول است. شرایط ایران طوری رقم خورده که ادامه زندگی در آن برای اکثریت مردم که با دشواری های اقتصادی، سیاسی و فرهنگی روبروست غیر ممکن است. کافی است روزانه رسانه ها و مدیای اجتماعی را ورق بزنید، این وضعیت دشوار و غیر قابل تحمل از زبان مردم را می بینید. از یک طرف وضعیت معیشت اکثر کارگران و زحمتکشان و فرودستان که با فروش نیروی کار روزانه شان امرارمعاش می کنند به ساعت، ساعت و روزبه روز بدتر می شود و در مقابل رژیم می که در بحرانهای متعدد دست و پا می زند و با دریایی از نارضایتی و خشم و نفرت عمومی روبروست.

بحران آب، برق، گاز، نان و تورم افسارگسیخته و گرانی مایحتاج عمومی مردم، چهره شاخص اقتصادی و معیشت اکثریت مردم است که نمی دانند فردا چه به سراغشان خواهد آمد. ارزش پول ایران هر روزی ارزشتر در مقابل دلار و معیشت مردم را بیش از پیش ناامنتر می کند. صفحه ۲

آزادی، برابری، حکومت کارگری!



خیزشهایی است که تا کنون به چشم دیده و خواب را از چشمانشان ربوده است. اینها وضعیت اقتصادی و اجتماعی و شرایط دشوار زندگی مردم را می بینند و به وحشت افتاده اند. کار به جایی رسیده که سران رژیم هر یک دیگری را مقصر این اوضاع قلمداد می کنند و شورشهای

دوباره را به هم گوشزد می کنند و قوای قضائیه و نظامی مردم را تهدید می کنند. امروز، مستقیم و غیر مستقیم خامنه ای را مقصر این اوضاع می دانند. چیزی که تا دیروز جرئت بر زبان آوردن آن را نداشتند.

این وضعیت قابل دوام نیست. وقتی اکثریت مردم در کشوری ثروتمند، نه برق، نه آب و نه مسکن و درمان و بهداشت درست و حسابی و نه موقعیت اجتماعی مناسبی دارند و تمام ثروت آنان توسط مشتی سرمایه دارو سران دزد و فاسد به تارچ رفته، هیچ دلیلی برای تحمل این وضعیت نیست. مردم دوباره به پا خواهند خواست، این بار اما سازمانیافته تر و قدرتمند تر و این تردیدی نیست. اکثریت مردم کارگر و زحمتکش چیزی برای ازدست دادن ندارد. آنچه انسانی است حکومت سرمایه داری اسلامی از آنها گرفته است. معیشت به جای خود، حرمت و شان انسان در آن جامعه لگد مال شده است. زنان آزادی و برابری می خواهند و برای آن می جنگند. کارگران و عموم زحمتکشان برای معیشت و منزلت انسانی می جنگند و در فردای سرنگونی، می خواهند خودشان صاحب نعمتی باشند که خود تولید می کنند. اکثریت مردم آینده ای می خواهند که در جامعه تحت حاکمیت مشتی سرمایه دارو اوباش و دزد و فاسد میسر نیست. این بار مردم می خواهند خود حاکم باشند و سرنوشت خود را خود از طریق اعمال حاکمیت شوراها به دست بگیرند و اجازه ندهند دوباره مشتی اوباش و سرمایه دار و مفتخور بر آنها حاکم باشند. یک تحول انقلابی در جامعه ایران، برای خلاصی از این وضع در راه است. متشکل و متحد برای پایان دادن به این وضع تلاش کنیم. طبقه کارگر بیدار و آگاه و رهبران و فعالین کارگری در این تحول انقلابی بیشترین وظیفه را برای نجات خود و جامعه از این وضع بر عهده دارند.

سردبیر

۲ ژانویه ۲۰۲۵

برنامه های **تلویزیون پرتو**، رسانه حزب کمونیست کارگری-حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال **الترناتیو شورایی** در اینترنت دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی کنید.

**آدرس خط زنده:**

<https://alternative-shorai.tv/>

## اوضاع جامعه ایران متحول است،

### جامعه انفجاری است!

فشار بر زندگی مردم آنقدر زیاد است که دیگر کسی آبایی از گفتن و شکایت از این وضع ندارد. نگاهی به مدیای اجتماعی صدای اعتراض و ناراضیتهای هر روز بیشتر بالا می گیرد و دادشان سرریز شده است. در مقابل، با رژیم مفلوک و درمانده روبرو هستیم که در مقابل مردم جز تهدید و سرکوب و در مقابل رقبایش در برون مرزها بجز کرنش و سازش کاری از دستش بر نمی آید. حقیقت این است که جمهوری اسلامی در بدترین شرایط حیاتش به سر می برد. جمهوری اسلامی بعد از شکست محور مقاومت و فرار از سوریه بعد از سقوط دولت بشار اسد، با بحران و تشدید شکافهای درونی و تردید سران رژیم برای ادامه بقا روبرو شده. شکست سنگین در مقابل رقبایش را مردم با چشم خود دیدند. خامنه ای و شرکایش از هارت و پورت و تهدید نیز افتاده اند.

شکست سیاستهای جمهوری اسلامی در چهره نگران خامنه ای، در سخنرانی روز چهارشنبه در سالگرد کشته شدن قاسم سلیمانی در جمع خانواده کشته شدگان در سوریه، بخوبی آشکار است. او گفته که لبنان و یمن همچنان نماد مقاومت هستند و با تاکید بر "مقاومت" گفت که سر انجام آمریکا و متحدانش با ذلت از منطقه خارج می شوند. در عین حال زبان تهدیدش علیه مردم کوتاه نیست، زمانی که به سقوط دولت اسد اشاره می کند، که جوانان "بخوان بسیج و پاسدارو سربازان امام" حافظ نظام هستند و الحمداله ایران از این شرایط برای حفظ نظام برخوردار است. روی دیگر سکه جمهوری اسلامی، پزشکیمان از تصمیم مجدد در مورد بررسی لایحه "اف ای تی اف" در مجمع مصلحت نظام خبر می دهد. عبدالناصر همتی وزیر اقتصاد از موافقت خامنه ای با طرح مجدد "لوايح پالرمو و سی اف تی" خبر داد و کاظم غریب آبادی معاون وزیر امور خارجه از آغاز دور تازه رایزنی هسته ای با سه کشور اروپایی به زودی سخن به میان آورده است و سخنگوی دولت عنوان کرده که حاضرند با ترامپ مذاکره بکنند. قوه قضائیه این روزها مردم را تهدید کرده که با تمام توان با هر نوع اعتراضی مقابله خواهند کرد. همه این مواضع را روی هم، نشان می دهد که جمهوری اسلامی را هم مردم و هم رقبایش در غرب پشت به دیوار قرار داده اند. با این مواضع و شرایطی که جمهوری اسلامی در آن قرار گرفته، راهی جز کوتاه آمدن و سازش با غرب و سرکوب و ارعاب در داخل در مقابلش وجود ندارد.

اما نگرانی اصلی رژیم اسلامی و سران ریز و درشت آن، تکرار

**مرگ بر جمهوری اسلامی!**



”تنها رهبر“ گردنه بگیر دنیا تبدیل شد. به علاوه عروج شتابان اقتصادی چین و احیای قدرت طلبی روسیه معادلات جدال قدرتهای امپریالیستی را به هم زد.

اکنون کشمکشهای قدرتهای بزرگ کاپیتالیستی در بخش عمده دنیا، در کانونهای بحرانی متعدد و به ویژه در

خاورمیانه مهر این روند ارتجاعی را بر خود دارد. آنچه تاکنون اتفاق افتاده و کارکرد و سیمای سبانه آن را در سال ۲۰۲۴ پر از نکبت دیدیم، به نظر میرسد نسبت به تراژدیهای بزرگتر در حال جریان و یا در مسیر وقوع آتی متأسفانه به نمایش و پیش آزمایش دگرگونیهای دردناک شباهت دارد.

### کاپیتالیسم جهانی در مقابل شیفت بزرگ

نظم کاپیتالیستی و رقابتهای اقتصادی سیاسی قدرتهای اصلی آن در مسیر شیفت بزرگ و به زبان دیگر یک زلزله سیاسی زیر و رو کننده گام بر میدارد. همگان سیر نزول موقعیت اقتصادی سیاسی و هژمونیک امپریالیسم آمریکا و متحدان غربی آن را می بینند. در مقابل روند عروج اقتصادی سیاسی چین به قصد تصرف موقعیت اول در اقتصاد و سیاست جهانی را مشاهده میکنند. حزب ”کمونست“ چین و دولت مستبد برآمده از آن اعلام کرده تا مقطع صدمین سالگرد ایجاد ”جمهوری خلق چین“ در سال ۲۰۴۹ عزم جزم کرده به قدرت اول کاپیتالیستی دنیا تبدیل شود. این پلاتفرم صرفاً ادعا و پروپاگاندا نیست، این برنامه اعلام شده دومین قدرت اقتصادی حال حاضر دنیا است. وقوع چنین روند قابل تصور محور شیفت بزرگ در آرایش اقتصادی سیاسی نظم کاپیتالیستی معاصر است. دیر یا زود دیگر رقابتهای اقتصادی و سیاسی و نظامی قدرتهای بزرگ کاپیتالیستی در حاشیه این ”ابروپارویی امپریالیستی“ دگرگون کننده جهان معاصر قرار میگیرد. چند سال است از دوره ریاست جمهوری ”اوباما و بایدن حزب دمکرات“ تا بازگشت مجدد ”ترامپ جمهوریخواه“ دلپره اصلی هیئت حاکمه امپریالیستی آمریکا و متحدان اروپایی و ناتوی آن حول صف آراییی در مقابل قطب امپریالیستی چین و ترس از عروج آن متمرکز است. این روند پایه ای از قبل و اکنون و به ویژه در آینده مهر خود را بر تحولات جهانی و منطقه ای کوبیده و میکوبد. کشمکش روسیه و غرب و جنگ کنونی در اوکراین ضمیمه این تقابل و بتدریج به حاشیه این جدال تعیین کننده تبدیل میشود. سؤال اینست آیا امپریالیسم آمریکا و متحدان ناتوی غربی آن

به این جایجایی استراتژیک هژمونیک، به این شیفت بزرگ برای رهبری جهان سرمایه تن خواهند داد؟ پیامدهای این رویارویی درجهان معاصر، در کانونهای بحرانی دنیا و در خاورمیانه چگونه خواهد بود؟. در بخش بعدی این نوشته به این مسائل میپردازیم.

ادامه دارد.

۳ ژانویه ۲۰۲۵

## جهان آشفته، بربریت کاپیتالیسم در تجربه

سال ۲۰۲۴

(بخش اول)

رحمان حسین زاده

آیا سالی مصیبت بارتر و انباشته تر از استثمار و رنج و فقر و تروریسم و جنگ گریبانگیر بشریت را همچون سال نکبت بار ۲۰۲۴ در نیم قرن اخیر بیاد دارید؟ من بیاد ندارم! به سهم خود بارها گفته و نوشته ام دنیای تحت سیطره کاپیتالیسم یعنی دنیای زشتی ها، تبعیض و نابرابری عمیق و رنج و آزارهای انبوه و لگد مال شدن حرمت و کرامت میلیاردری انسانها. اما آنچه در سال گذشته بشریت تجربه کرد، چهره بی نقاب و عریانتر سببیت نظم نفرت انگیز سرمایه و جهش حیرت آورتباهیها در مسیر آینده ترسناکی است که میخواهند بر بشریت تحمیل کنند.

### جهان آشفته!

در سال گذشته دیدیم دنیای تحت حاکمیت سرمایه بیش از پیش بی ثبات و آشفته است. ناامنی شدید اقتصادی و معیشتی و به علاوه جاری بودن جنگ و تروریسم و نسل کشی و ابعاد شنیع تباهی، نمادهای عریان ترانزنامه نظم سرمایه داری معاصر است. در عصر گلوبالیسم و جهشهای خارق العاده الکترونیکی، صنعتی، انفورماتیک و دستیابی به هوش مصنوعی بربریت سرمایه با همان عمق و در همان ابعاد دیگر هشدارهای نسبت به وقوع آن، در آینده نیست، بلکه طبقه کارگر جهانی و اکثریت عظیم بشریت هر روزه آن را تجربه میکنند. نه فقط در کشورهای عقب مانده به لحاظ صنعتی و با روند کند انکشاف سرمایه و متکی به کارآرزان و حاکمیتهای استبدادی خشن، بلکه در قلب کشورهای پیشرفته صنعتی، در اروپا و آمریکای ”مهد دمکراسی و جهان آزاد“ که بعد از جنگ جهانی دوم، برای دوره هایی ”دولتهای رفاه“ را به رخ جامعه میکشیدند، اکنون بازگشت به راست افراطی و دولتهای راسیستی با عملکردهای بشدت ضد انسانی به روند معمول تبدیل شده است. سال سیاه ۲۰۲۴ تجسم برجسته تجربه کردن بربریت کاپیتالیسم در دنیا و به ویژه در خاورمیانه بود.

### پیامدهای ”نظم نوین جهانی“ امپریالیستی

این وضعیت فی البداهه به وجود نیامده است. روندی است که با فروپاشی بلوک شرق در آغازدهه نود قرن قبل و وعده ”نظم نوین جهانی“ جورج بوش پدر رقم خورد. امپریالیسم آمریکا سرمست از شکست و فروپاشی بلوک رقیب با استراتژی ”نظم نوین جهانی“ تحت رهبری یگانه هیئت حاکمه امپریالیستی آمریکا عرصه جهان را به میدان تاخت و تاز خود تبدیل کرد. از آن مقطع تا کنون تحولات جهانی با هر درجه از فراز و فرود مهر این روند واپس گرایانه را بر خود دارد. یک دوره کوتاه امپریالیسم آمریکای متکی به متحدان اروپایی و ناتوبا تحمیل تروریسم دولتی و جنگ در بالکان و کشورهای عراق و افغانستان و دخالتهای نظامی در قاره آفریقا و بعضی مناطق دیگر دنیا به عنوان قلدر و زورگوی شمار اول دنیا یکه تازی کرد. اما طولی نکشید ناکامی و شکست در افغانستان و عراق به پاشنه آشیل مدعی

نه قومی، نه مذهبی، هویت انسانی!



در این مفاهیم، برای توصیف مشخصات سرمایه داری غربی بکار برود زیرا دولت و انحصارات غیر دولتی نقش ساختاری اساسی در جهت دادن به حرکت سرمایه و تعیین شاخصهای اقتصادی نظیر قیمتتها، ترکیب تولید، نرخ رشد، سطح اشتغال و غیره دارند.

با اینحال بنظر من وقتی مدافعین سرمایه داری غربی ارجحیت مدل

اقتصادی غرب را بر شرق اعلام میکنند، چه با ملاک مفروضات جامعه سرمایه داری و چه از نظر شاخصهای کمی عملکرد اقتصادی دو بلوک در یک مقیاس وسیعتر تاریخی، کاملاً حق دارند. مدل اقتصادی شوروی، بعنوان یک مدل اصلاح شده سرمایه داری، نتوانست چهارچوب مناسب تر و کارآمدتری برای انباشت سرمایه و تخفیف تناقضات درونی شیوه تولید مبتنی بر سرمایه بدست بدهد. مشخصه اصلی سرمایه داری مدل شوروی تلاش برای دور زدن مکانیسم بازار توسط یک سیستم اداری بوده است. چیزی که تقابل برنامه و بازار اطلاق میشود. از بین بردن مکانیسم بازار ممکن است، مشروط بر اینکه کل بنیاد اقتصادی سرمایه داری، یعنی کالا بودن نیروی کار، برقراری یک سیستم ارزشی بعنوان مبنای مبادله و توزیع محصولات میان بخشها و آحاد مختلف جامعه، اقتصاد مبتنی بر پول و غیره بطور کلی برچیده شود. اما حفظ این روابط و در همان حال دور زدن بازار بعنوان ظرف تعیین مادی این روابط و مقولات و مکانیسمی که آنها را به هم مرتبط میکند، بدون اخلاص جدی در کارکرد سرمایه داری ممکن نیست. این اتفاقی است که در شوروی افتاد. آنچه در شوروی رخ داد جایگزینی بازار با برنامه نبود، بلکه انتقال فونکسیونهای بازار به نهادهای تصمیم گیرنده اداری بود. در نظام سرمایه داری بازار (مستقل از حدود رقابت و انحصار) فونکسیونهای پیچیده و متنوعی را انجام میدهد. چه چیز باید تولید شود، چقدر باید تولید شود، چه تکنیکی باید بکار برود، چقدر باید مصرف شود، چه کسی باید مصرف کند، ظرفیتهای تولیدی، وسائل تولید و نیروی انسانی در چه ظرفیتی و در کدام بخشها باید بکار بیافتد، ارزش و قیمت کالاها از نیروی کار تا وسائل تولید و مصرف در هر مقطع چیست، کدام سیستم تولید و مدیریت باید بکار برود، کدام نیازها باید تامین شوند و کدام نیازها باید انکار شوند، اقتصاد باید در چه جهت حرکت کند، کدام وسائل تولید باید از دور خارج شود، کدام تکنیک باید کنار گذاشته شود و غیره و غیره. بدرجه ای که جامعه از نظر صنعتی و تولیدی رشد میکند و محصولات و نیازها تنوع بیشتری پیدا میکنند، نقش بازار پیچیده تر و نسبتها و جایجاییها به نهادهای اداری، دیر یا زود سرمایه داری را به بن بست میرساند. برای دوره ای طولانی ادعای شوروی این بود که برخلاف غرب با پدیدههایی نظیر بحرانهای ادواری و بیکاری روبرو نیست. اما برای سرمایه داری این بحرانها، بیکاریها و رکودها و رونقهای دوره ای، مکانیسمهای بازار برای تطبیق دادن سرمایه با تناقضات اقتصادی بنیادی تری هستند. اینها روشهای تطبیق سرمایه با رشد نیروهای تولیدی در متن این نظامند، مکانیسمهایی هستند که در آن سرمایه خود را بازسازی میکند و با رشد کمی و کیفی (تکنولوژیکی) نیروهای تولیدی کنار میآید. همه شیوههای تولیدی در طول تاریخ، هر قدر استثمارگرانه و طبقاتی، در تحلیل نهایی سازمانی برای گسترش حجم تولید، رشد تکنولوژی تولید، و رفع

صفحه ۵

## آیا بازار و سرمایه داری کاراترین و مقودورترین الگوی اقتصادی است؟ با منصور حکمت در مارکسیسم و جهان امروز

انترناسیونال: یک وجه عمده تعرض ضد سوسیالیستی ای که در جریان است وجه اقتصادی است. سقوط شوروی به رواج این حکم میدان داده که سرمایه داری و بازار بهترین، کارآمدترین و مقودورترین الگوی اقتصادی ای است که جامعه بشری در طول تاریخ به آن دست یافته است. شما بعنوان یک مارکسیست چه پاسخی به این ادعا دارید؟

**منصور حکمت:** دو موضوع را اینجا باید از هم تمیز داد. یکی مقایسه عملکرد مدلهای مختلف سرمایه داری در غرب و شرق است و دوم مقایسه سرمایه داری (چه رقابتی و چه غیر از آن) با سوسیالیسم بعنوان یک آلترناتیو اقتصادی و اجتماعی. سوسیالیسم به معنی مورد نظر مارکسیستها تا امروز عملاً جایی برپا نشده است. ما معتقد نیستیم که نظام اقتصادی در شوروی در هیچ مقطعی از دیدگاه کارگری و مارکسیستی میتوانسته سوسیالیستی اطلاق بشود. بنابراین به مساله سرمایه داری و سوسیالیسم بعداً میپردازم و ابتدا به نکاتی راجع به مدلهای مختلف توسعه سرمایه داری در غرب و شرق اشاره میکنم.

آیا سرمایه داری متکی به بازار و رقابت "بهترین، کاراترین و ممکن ترین" الگوی اقتصادی برای جامعه است که تاکنون عملاً وجود داشته است؟ برای آنکه اصولاً بتوان به این سوال پاسخ داد باید ملاک تعریف شده ای برای قضاوت بهتر و بدتر بودن و کارآمد بودن و نبودن سیستمهای اقتصادی داشت. این کلمات شدیداً سوژکتیو و نامعین اند، زیرا بسته به اینکه مفسر چه انتظاری از الگوی اقتصادی داشته باشد ملاک تشخیص میتواند متغیر باشد. این در خود علم اقتصاد بورژوایی مدتها یک موضوع مورد بحث بوده است. رشد کمی اقتصاد، رشد تکنیکی، نحوه توزیع ثروت، پایه صنعتی، سطح اشتغال، مرغوبیت محصولات، خودکفایی و یا موقعیت محکم در بازار جهانی و غیره در خود مکاتب مختلف اقتصاد بورژوایی بعنوان ملاکهای مختلف و حتی متناقضی برای تعریف الگوهای تولیدی بهتر و بدتر بکار رفته اند و مکاتب اقتصادی و احزاب سیاسی بورژوایی مختلف را به جدل با هم کشیده اند. در قبال صفات "کاراترین و ممکن ترین" مدل اقتصادی میشود پرسید "کاراترین و ممکن ترین الگوی اقتصادی برای چه جامعه ای، در چه دوره ای و با چه معضلاتی؟". این بویژه یک مساله قدیمی اقتصاد توسعه بوده است. بعنوان نمونه، مدل بازار آزاد برای سرمایه داری و بورژوازی روسیه پس از وقوع انقلاب کارگری اکتبر ایداً آلترناتیو ممکن و کارآمدی نبود. تاریخ بخش اعظم کشورهای عقب افتاده تر (یا حتی کشورهایی مانند ژاپن) شاهد این واقعیت است که حتی تشکیل بازار داخلی کار و کالا در مراحل اولیه و یا شکل دادن به یک پایه صنعتی اولیه و مقدماتی، کنار زدن موانع پیشسرمایه داری و نظیر اینها، بدون دخالت از بالا در مکانیسم بازار ممکن نبوده است. تاریخ خود سرمایه داری غربی پر از مقاطعی است که دولت ناگزیر به دخالت در مکانیسم بازار برای فائق آمدن به کسادها و بحرانها و یا بازسازیهای تکنولوژیکی بوده است. همین امروز کلمات رقابت و بازار آزاد نمیتواند، بدون تعدیلات مهمی

شورا مجمع عمومی سازمانیافته و منظم است!

## آیا بازار و سرمایه داری کارترین و مقدورترین الگوی اقتصادی است؟ با منصور حکمت در مارکسیسم و جهان امروز

نیازهای اقتصادی بوده اند. اگر امروز اساسا بشود چیزی درباره اقتصاد شوروی گفت اینست که این مدل، در مقطع معینی از این نظر به بن بست رسید. تجربه شوروی نشان داد که بازار خود کارآمدترین ابزار محاسبه اقتصادی و تنظیم معادلات اقتصادی در نظام سرمایه داری است و حتی اگر تحت شرایط خاصی دور زدن مکانیسم بازار و احاله فونکسیون های آن به یک سیستم ابلاغ اداری، میان برهای اقتصادی معینی را ممکن کند، در دراز مدت رشد تکنیکی و تنوع نیازهای تولیدی و مصرفی جامعه سرمایه داری، این روش را به بن بست میرساند.

امروز بازار از سیستم اقتصادی شوروی انتقام میگیرد. بحران های نداشته، بیکاری های پنهان شده، قیمت های پائین نگاهداشته شده، صنایع سوبسید گرفته و غیره بناگاه جای خود را به بیکاری های میلیونی، تورم سرسام آور و کارخانجات عاطل مانده میدهد. معلوم میشود در تمام این مدت منطق بازار نفا حاکم خود را رانده است. مدل شوروی، آنهم بدرجه زیادی بدلیل قدرت بسیج ایدئولوژیکی و سیاسی ناشی از آویزان شدن به میراث انقلاب کارگری اکتبر، در رشد اولیه صنعت در این کشور و شکل دادن به زیرساخت های اقتصادی کارایی داشت. بویژه مادام که رشد تولید اساسا به مصرف بیشتر نیروی انسانی و کسب ارزش اضافه مطلق مبتنی بود و این نیروی انسانی از بخش روستایی قابل تامین بود، اشکالات این سیستم برجسته نمیشد. اما فراتر از این مرحله، بویژه هنگامی که تولید ارزش اضافه نسبی از طریق بهبود تکنیک تولید اهمیت پیدا میکند، آنجا که نیازهای جامعه اعم از مصرفی و تولیدی تنوع زیاد پیدا میکند، آنجا که مساله مرغوبیت محصولات چه در تولید و چه در مصرف مهم میشود، این سیستم ضعف اساسی خود را به نمایش میگذارد. شوروی از سهیم شدن در انقلاب تکنیکی دو دهه اخیر ناتوان ماند. مدل شوروی، ظرفیت تامین نیازهای مصرفی و تولیدی متنوع یک اقتصاد پیشرفته صنعتی را نداشت. بنابراین از نقطه نظر سرمایه این مدل قابل استفاده نیست و مدل غربی، سرمایه داری متکی بر نقش محوری بازار، هنوز تنها مدل کارآمد و ممکن محسوب میشود.

ممکن است گفته شود جامعه شوروی جامعه عادلانه تری بود. تامین اجتماعی و امنیت اقتصادی بیشتر بود، شکاف طبقاتی کمتر بود و غیره. از نقطه نظر بورژوازی غربی، عدالت اقتصادی لزوما شاخص بهتر بودن یک جامعه نیست. جناح چپ بورژوازی، سوسیال دموکراسی و گرایشات پیرامونی اش، اساسا برای اجتناب از شورش فقرا در مهد صنعت و مدنیت این مقوله را وارد سیستم اقتصادی خود کرده بود و همیشه به موقع با مطالعه افت و خیز منحنی نرخ سود دست از آن کشیده است. ما هم، بعنوان کمونیست و کارگر، برای عدالت اقتصادی آلترناتیو خودمان را داریم. مساله ما اولاً، ایجاد نظامی است که روی این عدالت اقتصادی بنا شده باشد، این عدالت اقتصادی را دائما بازتولید کند و اساسا بر آن مینا شکوفا بشود. چهل سال "عدالت" در استفاده از امکانات محدود آنهم به قیمت کار شاق و بعد به فقر و بیکاری مطلق کشیده شدن و در دست ارتجاع اقتصادی و سیاسی و فکری از قفس گریخته رها شدن، مایه خوشنودی ما نمیتواند باشد.

ثانیا، ما برای رشد اقتصادی، پیشرفت تکنیکی و گسترش ظرفیتهای تولیدی و بالا رفتن سطح مصرف و رفاه و فراغت جامعه انسانی ارزش حیاتی قائلیم. تقسیم کمبودها آلترناتیو ما نیست. هر کمبودی باشد قطعاً باید همه بارش را بدوش بگیرند، اما سوسیالیسم اقتصاد گسترش امکانات انسانها و اقتصاد تامین هرچه بیشتر نیازهای مادی و معنوی آنهاست. اما در مورد وجه دوم سوال. در قبال این ادعا که سرمایه داری، حال مدل غربی و "پیروز" آن، بهترین و کارآمدترین نظام تاکنون موجود و مقدور برای انسان بوده است چه میشود گفت. نظام اقتصادی بسیار بهتری برای زندگی بشر در تمام طول قرن حاضر ممکن و مطرح بوده است. اگر بشر امروز در مناسبات سوسیالیستی زندگی نمیکند برای اینست که نظام کهنه با چنگ و دندان، با کشتار و شکنجه و ارباب و تحمیق و تفرقه افکنی، از خودش دفاع میکند. این نظام بهتر تعریف شده است. میلیونها انسان برای این نظام جنگیده اند و میجنگند. این ادعا که سرمایه داری بهترین نظم اقتصادی است، بزرگترین دروغ تاریخ بشر است. کثافت از سر و روی این نظام میبارد. در حالی که صدها میلیون انسان مسکن ندارند، بهداشت ندارند، مدرسه ندارند، خوشی ندارند و حتی بخشا غذا ندارند، وسائل تولید و تامین این نیازها عاطل و باطل افتاده است و دهها میلیون انسان که قادرند این وسائل را بکار بگیرند و این کمبودها را برطرف کنند بیکار نگاهداشته شده اند. عده ای را گماشته اند تا اگر کارگران سرخود به این وسائل چنگ ببندازند به سینه شان شلیک کنند. پلیس در مهد تمدن غربی معدنچی ای راکه میخواهد سوخت تولید کند کتک میزند و به زندان میاندازد. کوههای کره و گندم در انبارهای جامعه اقتصادی اروپا میگذند و قدری آن طرف تر مردم دارند از قحطی میمیرند. لازم نیست از فحشاء و فقر و بیخانمانی و قحطی یا از موقعیت مردم در کشورهای عقب افتاده مثال بزنیم. در خود آمریکا ۳۰ میلیون نفر زیر سطح فقر زندگی میکنند، ۱۰ میلیون کودک فاقد بیمه درمانی اند، از نیویورک تا لوس آنجلس بی مسکنی بیداد میکند. فحشاء در کل جهان یک روش امرار معاش و سازماندهی فحشاء و تولید و توزیع مواد مخدر یک روش پر افتخار مال اندوزی است. در انگلستان منت گذاشته اند و در زمستانها ایستگاههای مترو را شب باز میگذارند تا مردم بی مسکن از سرما نمیرند. این جامعه بدون کار خانگی و فرودستی زن در صحنه اقتصادی نمیتواند روی پای خودش بایستد. این جامعه کودکان را بکار میکشد. پیران را دور میاندازد. بدون بکشت دادن و معلول کردن و فرسوده کردن نمیتواند تولید کند. این جامعه بدون انکار انسان بودن اکثریت ساکنین کره زمین و بدون چشم بستن به نیازهای اولیه آنها، از غذا و بهداشت و مسکن و امنیت اقتصادی تا فراغت و دانش و هنر، نمیتواند تعادل خود را حفظ کند.

مهم تر از همه، اساس این جامعه این واقعیت شرم آور است که بخش وسیعی از آن، اکثریت آن، برای زندگی کردن در جهانی که به آن چشم باز کرده اند باید توانایی بدنی و فکری خود را به اقلیتی بفروشند. تولید مایحتاج و وسائل زندگی انسانها به سودآوری سرمایه گره خورده است. این واقعیت ریشه همه این نابرابری ها و محرومیت هاست. کار مزدی، تقسیم جامعه به کارگر و سرمایه دار، به مزد بگیر و مزد بده و تنزل دادن کار، بعنوان یک فعالیت مولد و خلاق، به "شغل"، بعنوان روش امرار معاش، بخودی خود حکم ورشکستگی این نظام است.

بنظر من کسی که نظام اقتصادی موجود را بهترین

جامعه ای متکی بر برابری و آزادی کامل انسانها، جامعه ای مبتنی بر تلاش خلاقانه همگانی برای تامین نیازهای بشری، جامعه ای که در آن وسائل تولید دارایی مشترک همه مردم باشد. جامعه ای جهانی بدون طبقات، بدون تبعیض، بدون کشور و بدون دولت مدتهاست مقدور است. خود سرمایه داری مقدمات مادی این نظام اقتصادی نوین را فراهم کرده است.

\*\*\*

## آیا بازار و سرمایه داری کارترین و مقدورترین الگوی اقتصادی است؟ با منصور حکمت در مارکسیسم و جهان امروز

و ممکن ترین نظم مینامد دارد به توحش خودش اعتراف میکند. واقعیت اینست که بویژه با نقد مارکس به سرمایه داری، بشریت ضرورت و امکانپذیری یک نظام اقتصادی و اجتماعی برتر را اعلام کرده و حتی خطوط اساسی چنین جامعه ای را ترسیم کرده است.

تحولات سیاسی جاری ایران است.

### مردم باید انتخاب کنند

#### بخشی از مصاحبه نشریه انترناسیونال هفتگی با منصور حکمت

شاخص پیشروی چپ در برابر راست در جنبش اعتراضی علیه رژیم اسلامی، بالا رفتن انتظارات مردم و نپذیرفتن نقطه سازشهایی است که هیات حاکمه و اپوزیسیون بورژوازی قدم به قدم جلوی مردم قرار میدهند.

دوم خرداد یکی از اینها بود. مردم نهایتاً تن ندادند.

جنبش ملی اسلامی احتمالاً هنوز چند فرمول دیگر برای همزیستی مردم با یک رژیم اسلامی اصلاح شده در آستین دارد.

اینها را باید یک به یک منزوی کرد. اپوزیسیون بورژوازی بیرون حکومت در مقطعی وارد صحنه خواهد شد تا نقطه تعادلای جدیدی که متضمن حفظ شالوده قدرت طبقاتی اش است را بعنوان پیروزی جنبش مردم جا بزند.

ما باید مدام مردم را به فراتر رفتن از این چهارچوبها فرا بخوانیم. ما باید بعنوان سخنگویان و منادیان "نه بزرگ مردم به کلیت استبداد و استثمار و تبعیض و ارتجاع در صحنه سیاسی ایران ظاهر بشویم.

هر چه این نخواستن عمیق تر و همه جانبه تر بشود، رهبری کمونیستی بر جنبش اعتراضی بیشتر تثبیت میشود. از نظر عینی روند اوضاع به نفع ماست. چون نقطه سازشهای مورد نظر هیات حاکمه و اپوزیسیون بورژوازی از نظر عینی پاسخ نیازهای اقتصادی و سیاسی و فرهنگی جامعه ایران امروز نیست.

بحران اقتصادی-سیاسی-فرهنگی سرمایه داری در ایران به سادگی قابل تخفیف دادن نیست.

منصور حکمت: منتخب آثار. مردم باید انتخاب کنند. گفتگو با انترناسیونال هفتگی درباره وحدت اپوزیسیون (ص ۱۶۸۰-۱۶۷۹)

**منصور حکمت را بخوانید**

**و به دیگران معرفی کنید!**

<http://hekmat.public-archive.net>

[www.hekmat.com](http://www.hekmat.com)

هفتگی: سوال میشود که مبارزه در سطح جامعه دارد گسترش پیدا میکند و جنبش سرنگونی احتیاج به رهبری دارد. در غیاب اتحاد اپوزیسیون، رهبری جنبش چگونه باید تامین شود؟

**منصور حکمت:** رهبری محصول هژمونی سیاسی است و نه معدل گیری میان جنبشها و یا قرار و مدار سیاستمداران. پیدایش یک رهبری در جنبش عمومی برای سرنگونی تابعی از دست بالا پیدا کردن یک افق است. وجود یک رهبری واحد گواه این است که توده وسیع مردم انتخاب سیاسی خود را کرده اند.

این انتخاب بدو یک انتخاب حزبی نیست. مردم در خطوط کلی میان راست و چپ انتخاب میکنند. آیا افق آلترناتیو در برابر رژیم اسلامی در خطوط کلی از نظر مردم یک افق و راه حل چپ است یا راست؟ این سوالی است که قبل از بقیه پاسخ میگیرد.

آیا مردم در انداختن جمهوری اسلامی، به بالا، به قدرتهای غربی و به اقتصاد بازار امید میبندند یا به نیروی خود، به چپ جامعه و به یک راه حل رادیکال چشم میدوزند. مردم چپ را میخواهند یا راست؟ این سوال هنوز در ایران امروز باز است. این انتخاب هنوز صورت نگرفته است.

اگر ما بتوانیم افق چپ و انقلابی را به افق هژمونیک در روند سرنگونی رژیم اسلامی تبدیل کنیم، آنوقت شخصیتها و احزاب عمده این اردوی چپ در موقعیت رهبری قرار میگیرند. مردم در هر دوره چپ جامعه را با جریانات معینی تداعی میکنند و آنها را پرچم و ظرف چپگرایی خود قرار میدهند. یک دوره حزب توده این نقش را داشت، یک دوره فدایی. امروز مردم ایران حزب کمونیست کارگری را سخنگو و بستر اصلی چپ در جامعه میدانند.

در نتیجه رهبری تابعی از انتخاب سیاسی مردم میان یک راه انقلابی و یا غیر انقلابی برای سرنگونی حکومت اسلامی است. حزب و جنبش ما مصمم است که این رهبری را تامین کند. همه فعالیت حزب کمونیست کارگری معطوف به جدا کردن مردم ایران از هر آلترناتیو و خط مشی بورژوازی و سوق دادن آنها به یک موضع چپ و انقلابی در

**برابری بیقید و شرط زن و مرد در تمام شئون اجتماعی!**



میزند می‌خواهند کارگران را کت بسته به مسلخ بورژوازی ببرند. همین کسانی که به کارگران نصیحت میکنند "طرف احزاب سیاسی نروید" - اگر به کسی برنخورد امنیتی‌ها برای اینکار عرق میریزند و پول خرج میکنند - منظورشان فقط احزاب کمونیستی است. حالا در میان همین خط آنتی‌تحرز هستند کسانی که کارگران را دعوت میکنند تا با راه انداختن "جنبش

مطالبه محور" پشت حاج آقا خاتمی و کروبی و موسوی و روحانی سینه بزنند، خودشان در صف اول رای دهندگان و مبلغینی هستند که کدام اصلاح طلب استعفا دهد تا آن کاندیدای دیگر رای بیاورد! حتی در زندان هم نامه میدهند که به فلانی رای میدهم!

### آنتی‌تحرز و ناسیونالیسم

این آنتی‌تحرز خود را همواره با سرویس دادن به بورژوازی یا بخشی از آن تکمیل میکنند، مثلاً با شعار "تولید داخلی بیشتر" گردن فلان حاجی پاسدار - شکنجه‌گر "خودی و ایرانی" را کلفت تر میکنند. یا زمانی دورتر کارگران را در توهم وعده "جامعه مدنی" و "تشکل کارگری" که آخوند خاتمی قرار بود چراغش را روشن کند، میبردند اما همزمان به احزاب کمونیست فحاشی میکردند، گرای امنیتی علیه فعالین کمونیست میدهند و برای فعال کارگری پرونده سازی میکنند. شاید سوال کنید این همه تناقض برسر چیست؟ جواب اینست که در عالم سیاست هر دیدگاهی اهداف و منافع طبقاتی‌ای را دنبال میکند. این آنتی‌تحرز بر این آگاه است که اهداف ناسیونالیستی "شاخه کارگری" هم میخواهد. بالاخره "کارگران میهن" باید جان بکنند تا "عزت ملی" ایشان که ترجمه طول و عرض ثروت طبقه سرمایه دار در ایران است بیشتر شود! باید "کارگران غیور وطن" فداکاری کنند و به کمتر راضی باشند، تا "تولید ملی" - اسم رمز توسعه سرمایه داری و قدرت رقابت سرمایه ایرانی در بازارها - راه بیافتد و افزایش یابد و روسای "بهشت سرمایه داری" بتوانند در خارج پول خرج کنند! بالاخره باید "کارگران مسلمان ایران" حقوق نگیرند یا حقوق چند بار زیر خط فقر بگیرند، اضافه کاری کنند و حتی حق اضافه کاری یک مطالبه شان در مهمترین صنایع ایران باشد، در آلونک و حلبی آباد "زندگی" کنند، کلیه شان را بفروشند تا به زخم شهریه و دوا و درمان بزنند، بچه هایشان تن فروشی کنند، تا یک مشت مسلمان مرتجع سرمایه دار و آدمکش بتوانند قدرت جمهوری اسلامی را به رخ این و آن بکشند! برای این جماعت و طرفدارانشان کارگر اتمیزه و بیحقوق و غیر متشکل و غیر متحزب و سرکوب شده و تحقیر شده بسیار بهتر است. برای اینها کارگر متشکل و متحزب و مدعی قدرت سیاسی خطرناک است. تا از کارگر و ادعانامه کارگری و لنین و حکمت و دولت انقلابی کارگری صحبت میکنید، ناگهان خرواری از عبارات "نوتالیتار" و "خشونت نکنید" و ادبیات ضد کمونیستی به رویتان پرت میکنند. با زبانی با شما حرف میزنند که گوئی خامنه‌ای و اسلاف جمهوری اسلامی به شما ارجحیت دارد! اما در دنیای سیاست واقعی و کشمکش طبقاتی، برای کارگر کمونیست و رهبر جدی کارگری که امری دارد و فکر میکند جامعه باید بدست کارگران باشد، این تلاشها مفت نمی‌ارزد.

### حزب نیاز مبرم است!

در جامعه و صحنه سیاست اما طبقات لخت و عور و بلاواسطه رو در روی هم قرار نمیگیرند. کشمکش طبقات اجتماعی از

## کارگران کمونیست و تحزب کمونیستی

### در باره خط آنتی‌تحرز

#### سیاوش دانشور

یک ویژگی اختناق سیاسی تبدیل شرایط و کارکرد سرکوب به "داده هائی تئوریک" برای گرایشاتی در چپ است. در نگاه به مباحث محافل متفرقه و بعضاً متضاد چپ در ایران زیاد با سیاست و تمایل آنتی‌تحرز مواجه میشوید. این خط حزب‌گریزی و آنتی‌تحرز یک شکل و یک چهارچوب سیاسی ندارد، بعضاً بطور کلی تحزب را دشمن طبقه کارگر میدانند و هر نوع تحزبی را تکرار تجربه احزاب سرمایه داری دولتی بلوک شرق سابق معنی میکند، بعضاً جایگاه تشکل حزبی طبقه کارگر را در مبارزه جاری محدود و حاشیه‌ای میکند و بعضاً علیه سیاست و تلاش حزب کمونیستی برای کسب قدرت سیاسی است. این تمایل آنتی‌تحرز در افراطی‌ترین شکل خود، کارگران را از پیوستن به احزاب سیاسی منع میکند و بر آنست که کارگران ضروری است صرفاً در تشکلهای توده‌ای خود، حال شورا یا سندیکا، متشکل شوند و با اتکا به تشکل توده‌ای شان میتوانند به مصاف سرمایه داری بروند.

در عالم نظر و ایده طبعاً خیلی چیزها میتوان گفت. برخی ضدیت شان با احزاب کمونیستی را به یک الگوی فکری ارتقا داده اند و مشترکاً با تحلیلگران بی‌بی‌سی میگویند که "دوره احزاب مدل لنینی بسر آمده است!" این تز کم کم به ضدیت با لنین، ضدیت با اراده انقلابی و ضدیت با عمل انقلابی کارگری ارتقا می‌یابد. کمی جلوتر انگلس را از مارکس جدا میکند و بعنوان "ضد مارکس" و "کمونیسم ایدئولوژیک" دراز میکند. در قدم بعد مارکس را به "جوان و پیر" تقسیم میکند و مارکس فلسفی و مارکس انقلابی را به دو پدیده میشناساند. وقتی با این نوع نظرات مواجه میشوید، در نظر اول انگار با نوعی آنارشیزم شلخته روبرو هستید اما این آنارشیزم سنتی هم نیست که زمانی دور به هر حال کارگری بود. بیشتر سابقه و رگ و ریشه این دیدگاه به محصولات کمونیسم مکتبی - فلسفی برمیکرد و از محصولات دمده انشقاقات مکتب فرانکفورت و مباحث دهه شصت در اروپای غربی برسر دیالکتیک و چرخشهای ناسیونالیستی مارکسیسم غربی و ارو کمونیسم در تقابل با اردوگاه سابقشان است.

آنها هرچه بودند و هر تاریخی داشتند، محصولات دوران شکست اند، دوران بازنگری، دوران انزوا، دوران خزیدن به زیر پرچم بورژوازی "خودی" گیریم در جناح چپ آن. اینها اما فاقد تاریخ اند، فاقد سنت مبارزاتی اند، رگ و ریشه‌ای در جنبش طبقه کارگر و جدالهای تعیین کننده طبقه کارگر و احزاب طبقه کارگر مانند اسلاف اروپایی شان ندارند. لذا بعضی از بحثهای این نوع چپ جهان سومی بحدی غیرجدی است که پرداختن به آن فقط وقت تلف کردن است. از طرف دیگر در اختناق سیاسی، مسائل واقعی‌انطور که باید مطرح و دیده نمیشوند، تصویری یک بعدی و ابتر از یک واقعیت پیچیده و چند بعدی اند. وارونگی سرمایه داری، بویژه در جوامع اختناق زده، تا سرحد توهّمات مذهبی و احکام آسمانی ارتقا می‌یابند. نتیجه اینست که متاسفانه بسیاری که ظاهراً سنگ کارگر را به سینه

**کارگر، معلم بپاخیز، برای رفع تبعیض!**

## کارگران کمونیست و حزب کمونیستی

### در باره خط آنتی حزب

سیاوش دانشور

تمایل قدرتمند میان کارگران بویژه در دوره های غیر بحرانی و غیر انقلابی است و ماحصل این گرایش نیز در قامت حزبی و سیاسی و سازمان توده ای کارگری و سیاست و تاکتیک روز در جنبش کارگری قابل دیدن و بررسی دقیق تاریخی است. در دوره های انقلابی که مسئله قدرت سیاسی را به صدر می‌راند، جنبشهای اجتماعی را حول این موضوع و سوالات گرهی ایندوره کشمکش طبقاتی قطبی میکند. همانطور که جنبشها و احزاب طبقات دارا برای قدرت سیاسی تلاش میکنند، جنبش سوسیالیستی و حزب سیاسی طبقه کارگر هم برای قدرت سیاسی تلاش میکند.

#### کدام کمونیسم، کدام حزب!

یک بحث و سوال میتواند این باشد که کدام حزب کمونیستی است، کدام حزب کارگری است و طبقه را بطور عینی نمایندگی میکند. خب، کم نداشتیم احزاب متفرقه بورژوازی که تابلوی "کارگر و سوسیالیسم" را بر سردرشان آویزان کردند اما دنبال منافع بخشی از بورژوازی بودند و یا در ائتلافی با بورژواها به خاکریز سرکوب کمونیسم و انقلاب کارگری تبدیل شدند.

حزب کمونیستی کارگری حزب پیشروان طبقه کارگر و کارگران کمونیست و سوسیالیست است یا اساسا باید این باشد. البته تاریخ قرن بیستم مملو از احزابی است که با جدائی از کارگر و جدائی از مارکسیسم، نام و پرچم کمونیسم را در خدمت منافع غیر کارگری و غیر سوسیالیستی قرار داده اند. اما احزاب کارگری احزابی جدا از طبقه نیستند بلکه محصول مبارزه کارگری و افق و راه حل کارگری در قلمرو حزبی و سیاسی اند. احزابی که چه در دیدگاه و نگرش سیاسی و چه در پایه اجتماعی ربط مشخصی به مبارزه و تلاش کارگری ندارند، علیرغم هر نام و پرچمی که داشته باشند احزابی فرقه ای و غیر کارگری اند. در عین حال حزب کارگری بودن و در میان کارگران نفوذ داشتن هنوز به معنای حزب کمونیستی کارگری نیست. گرایشات بورژوازی و مشخصا جناح چپ و مرکز طبقه حاکم، سوسیال دمکراسی و رفرمیسم، اگر نه در دو سه دهه اخیر و تحولات سوسیال دمکراسی، اما تاریخاً احزابی کارگری بودند و سیاستهای خود را از جمله با اتکا به حمایت گرایشی قوی در درون طبقه کارگر پیش برده اند. ما در باره حزب سیاسی کمونیستی کارگری حرف میزنیم که جریانی بانفوذ و موثر در میان جناح رادیکال و پیشرو جنبش کارگری و در قلمرو سیاست سراسری است. حزبی که نبض اش با اعتراض و مبارزه جاری کارگران میزند و افت و خیزش تابعی از این مبارزه و سنتهای ریشه دار سوسیالیستی آنست. حزبی که مبارزه رادیکال کارگری شناسنامه آنست و پرچمدار نقد گرایش کمونیست و سوسیالیست طبقه کارگر به نظم موجود است.

اساس تشکل حزبی کمونیسم کارگری موثر بودن و مطرح بودن سیاستهای حزب در میان کارگران است. اساس تشکل حزبی کمونیسم کارگری تحرک کارگران کمونیست و سوسیالیست در اعتراضات کارگری است. همه کارگرانی که در مراکز متعدد کارگری سیاستها و اهداف سوسیالیستی حزب را افق مبارزه خود قرار داده اند، نمایندگان و رهبران عملی حزب کمونیستی کارگری در جنبش طبقه کارگر برای سوسیالیسم اند. اینکه حزب در هر دوره ای و متناسب با تناسب قوا چه اشکال سازماندهی را اتخاذ میکند، امکان فعالیت علنی یا حتی نیمه علنی حزبی را در میان کارگران دارد یا نه، در قیاس با این مهم که وجود حزب در میان کارگران مستقل از

صفحه ۹

طریق جنبشها و احزاب سیاسی ای که ریشه در اقتصاد سیاسی یک جامعه سرمایه داری دارند، صورت میگیرد. بورژوازی برای حفظ و تداوم سلطه طبقاتی اش انواع حزب و سیاست برای بالا تا پائین جامعه دارد. اگر جناحی از بورژوازی نتوانست اهداف کل طبقه اش را نمایندگی کند و پیش ببرد، امور دولت و نهادهای اساسی هیئت حاکمه را دست جناحی دیگر میدهند، اما نباید دست کارگران و انقلابیون بیفتد. کارگران تاریخاً اگر نقشی ماندگار در جامعه ایفا کرده اند از طریق مبارزات جنبش طبقه شان و احزاب کارگری و کمونیستی بوده است. جنبش طبقه بدون حزب سیاسی و بدون جنبش اجتماعی و حزبی، یعنی عدم حضور در جدال سیاسی و یا نهایتاً حضور بعنوان گروه فشار طبقه بورژوازی. بخش زیادی از نگرش آنتی حزب تئمه آنتی کمونیسمی است که دستپخت دوره جنگ سرد است. آنتی کمونیسم یک سلاح دفاعی بورژوازی است، یک رکن تعطیل ناپذیر مبارزه علیه جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر است. مهم نیست این آنتی کمونیسم، حال ضدیت با کل آرمان کمونیسم و یا ضدیت با حزب و تشکل و سیاست کمونیستی، از دهان سخنگویان راست طبقه حاکم در می آید و یا توسط گروه فشار چپاش در جامعه پمپاژ میشود. یک نمونه آشنا انقلاب ۵۷ ایران است. کارگر در این انقلاب از فداکاری و مبارزه و اعتصاب و شورا و تشکل چیزی کم نداشت. اما فاقد یک حزب سیاسی بود که در آن تحول انقلابی نماینده و سخنگوی طبقه کارگر باشد. حزبی که نماینده طبقه در قلمرو سیاست سراسری در مقابل افق و راه حل بورژوازی در آن انقلاب باشد. احزاب چپ متفرقه ناسیونالیست و طرفدار آخوندها یا سازمانهای انقلابی و محافل متعدد چپ کم نبودند، اما حزب سیاسی کارگری که بتواند در مقابل بورژوازی جنگ را به نفع طبقه کارگر و راه حل کارگری تمام کند، نداشتیم. نتیجه فداکاری و مبارزات شکوهمند در آن انقلاب نهایتاً سرکوب خونین و شکست و چهار دهه مصیبت از جنگ و آپارتاید و کشتار عظیم و آوارگی تا فقر و فلاکت اقتصادی شد. آیا قرار است بار دیگر این تجربه تلخ تکرار شود؟ سیاست آنتی حزب این راه را به کارگران نشان میدهد.

#### گرایشات اجتماعی و احزاب سیاسی

سوسیالیسم و کمونیسم مانند ناسیونالیسم و لیبرالیسم و محافظه کاری و مذهب، گرایشی اجتماعی و طبقاتی است. تاریخاً کمونیسم و جنبش سوسیالیستی کارگران انتقادی اجتماعی به نظام سرمایه داری داشته و سوخت و ساز سیاسی و گرایشات مختلف درون طبقه در هر دوره احزاب سیاسی مختلفی را بیرون داده است. احزابی که تمایلات وسیع تر و پایدارتر درون طبقه را نمایندگی کردند و در قلمروهای مختلف سیاسی و سبک کاری و تاکتیکی نیز اختلاف داشته اند. گرایش سوسیالیستی در میان طبقه کارگر، سوسیالیسم کارگری، حتی بدون وجود یک حزب سیاسی کارگری و معتبر یک گرایش عینی و یک جنبش واقعی است که با این وعظ های مذهبی گونه روشنفکران بورژوا نه از بین میروند و نه میشود انکارش کرد. حزب کمونیستی کارگری حزب سیاسی این گرایش است. رفرمیسم نیز یک

زنده باد جمهوری سوسیالیستی!



## کارگران کمونیست و حزب کمونیستی در باره خط آنتی حزب

سیاوش دانشور

اختناق و گشایش سیاسی امری مسلم در اشکال گوناگون است، ثانوی تر است. اختناق شرایط کار کمونیستی را محدود و تهدید میکند اما توجیه محکمی برای غیبت فعالیت حزب کمونیستی در میان کارگران نیست. کمونیسم اساساً یک گرایش قدیمی و یک افق جاافتاده و یک سنت مبارزاتی در درون طبقه کارگر است و حزب کمونیستی کارگری حزب این گرایش و این افق و این سنت مبارزاتی است و رابطه تفکیک ناپذیری با آن دارد.

ما در مورد کمونیسمی حرف میزنیم که میخواهد روابط سرمایه داری و جامعه طبقاتی را برچیند. انتقادش به نظم موجود عمیق و ریشه ای است. پایه اش جنبش اجتماعی طبقه کارگر علیه سرمایه داری است و حزب سیاسی اش اساساً حزب پیشروان این طبقه بعنوان نوک فشرده این جنبش عظیم است. حزب کمونیستی کارگری طبق تعریف، سازمان رهبری پیشروان طبقه است که قرار است طبقه را در قلمرو سیاست سراسری نمایندگی کند، استقلال سیاسی و فکری و تشکیلاتی طبقه کارگر را تامین کند و در مقیاس جامعه حضور جنبش سوسیالیستی را برای توده اهالی ملموس و به یک انتخاب عینی و مطلوب تبدیل کند. تشکل توده ای کارگری، بعنوان مثال شوراهای و جنبش مجمع عمومی-شورائی، سازمان توده ای طبقه کارگر است که منافع عمومی و اتحاد طبقه را در مقابل بورژوازی حراست میکند. هیچکدام جای دیگری را نمیتواند بگیرد و هیچکدام بدون دیگری به جایی نمیرسد.

در تاریخ جنبش بین المللی کارگری، سنتهای آنارشیستی و گرایشاتی که کارگران را از سیاست دور میکردند همواره وجود داشته است. نقطه اشتراک این گرایشات خلع سلاح کارگران از حزب سیاسی و تسلیم آنها در مواقع بحرانی به بورژوازی بوده است. کارگران حتی اگر در تشکل های توده ای در مقیاس یک جامعه هم متحد شوند، برای وارد کردن ضربه نهائی به این نظام باید بمثابه "حزب سیاسی" عمل کنند و از خود "حزب سیاسی" بیرون بدهند. نمیشود نقد ریشه ای به مناسبات سرمایه داری داشت اما کاری به کار سرمایه و قدرتش نداشت. نمیشود تبعیض و بیحقوقی و فلاکت را دید و جنبشهای انقلابی و ضد تبعیض را حول پرچم کارگران برای رهائی جامعه بسیج نکرد. کارگر یا بعنوان یک طبقه و یک آلترناتیو اجتماعی در تحولات سیاسی برای کسب قدرت سیاسی و اعلام دولت انقلابی و کارگری ظاهر میشود و یا تار و مارش میکنند، بورژوازی کرور کرور رهبرانش را می کشد و سازمانهایش را نابود میکند.

جنبش سوسیالیستی طبقه کارگر دولت شوراهای را سرکار می آورد. این جنبش فقط نمیکند خودش را آزاد کند بلکه پرچمدار آزادی جامعه است. برخلاف بورژواها مالکیت را در انحصار اقلیتی ناچیز نگه نمیدارد و با لغو مالکیت اقلیتی ناچیز و اشتراکی کردن آن، مالکیت را به عموم برمیگرداند. دولت کارگری خوشبختی و رفاه و علم و سعادت و حق زندگی و حیات و پیشرفت و شکوفائی را

"ویژه" کارگر نمیداند بلکه حقوق همه انسانهای آزاد میداند. لذا کارگر و جنبش کمونیستی کارگری در موضع پاسخ دادن به مأموران تکامل تاریخ و به مبصران و مجیزگویان بورژوازی نیست، بلکه خود کلید حل معمای تاریخ است. برای جنبش کمونیستی طبقه کارگر، بحث تصرف قدرت سیاسی، استفاده از ابزار دولت بمثابه یک وسیله بسط مبارزه طبقاتی در دوره انقلابی و درهم کوبیدن مقاومت بورژوازی در مقابل برقراری سوسیالیسم، یک رکن اساسی و کلیدی مارکسیسم و کمونیسم مارکس و منصور حکمت و فشرده ترین بیان گذار از تفسیر فلسفی جهان به تغییر انقلابی جهان است. معلوم نیست چرا همین چپ ناسیونالیست و گرایشات راست کارگری با قدرت بورژوازی معضلی ندارند و حتی بخشا دنبال آن می افتند اما وقتی بحث کارگر و حزب کمونیستی کارگری است همه مبصر میشوند و عملاً با دور نگهداشتن کارگران از قدرت از "حق ویژه و انحصاری" بورژوازی دفاع میکنند؟ بورژواها را ببینید که با انتخابات تقلبی و وعده های پوچ تر از پوچ بقدرت میرسند و هیچکدام از این منتقدین کارگران و کمونیستها صدایشان در نمی آید. دولت و قانون شان همه علیه طبقه کارگر است و به هیچ کسی پاسخگو نیستند. نه فقط در ایران اسلام زده و استبداد زده بلکه در آمریکای دمکرات هم همینطور است. هر کاری میخواهند میکنند، به هر کشوری میخواهند حمله میکنند، پول از جیب کارگر درمیآوردند و به جیب سرمایه دار میریزند و هنوز "عالیجنابان" و "شخصیتهای دمکرات" اند. از نظر اینان در ایران خمینی و خامنه ای و شازده ها و نوه های جبهه ملی میتوانند در قدرت باشند اما کارگر و کمونیسم نمیتواند؟ جنبش کمونیستی طبقه کارگر بدهی به کسی ندارد. کسی که میگوید چنین حزبی نمیتواند دست بقدرت سیاسی ببرد، باید جوابش را اینگونه داد که به شما ربطی ندارد، سوسیالیسم مبصر نمیکند، لطفاً شما بروید حیات خلوت قدرت بورژوازی را آب و جارو کنید!

حزب کمونیست کارگری - حکمتیست بدواً برای همدلی و هم افقی گرایش کمونیستی طبقه کارگر تلاش میکند و تحقق آنرا در گرو اتخاذ سیاستهای حزب در قلمروهای سازماندهی و رهبری مبارزات کارگری و اجتماعی توسط این گرایش در کل طبقه جستجو میکند. سازمان حزبی ما طبق تعریف تناقضی با زندگی و شرایط مبارزه روزمره و جاری کارگران ندارد. پیشروی و پسروی سازمان حزبی کمونیستی کارگری تابعی از موقعیت گرایش کمونیستی در کل طبقه و کل جامعه است. هم جهتی و هم افقی کارگران کمونیست و رهبران کارگری با حزب و سیاستهای حزبی ماتریال اساسی و نمود عینی حزب و تشکل حزبی در میان کارگران در شرایط امروز است.

\*\*\*



زنده باد همبستگی جهانی کارگران!



ندارد. این هم عرصه ای از ذلت و بی آبرویی جمهوری اسلامی است که به افکار عمومی جهان نشان می دهد. این حربه نیز باید از جمهوری اسلامی گرفته شود و دولتهای غربی از سازش با جمهوری اسلامی دست بکشند و شهروندهای خود را از توهم نسبت به جمهوری اسلامی آگاه کنند. جمهوری اسلامی از نظر مردم ایران منفور و باید سرنگون شود. دولتهای غربی هنوز بعد از این همه تجارب دست از سازش با جمهوری اسلامی بر نمی دارند.

۳ ژانویه ۲۰۲۵

## سیاست کثیف گروگانگیری جمهوری اسلامی برای آزادی تروریست ها و قاتلین از زندان

سعید یگانه

چچیلیا سالا خبر نگار ایتالیایی روز ۲۹ آذر به اتهام واهی زیر پا گذاشتن قوانین جمهوری اسلامی در تهران بازداشت شد. او بارها برای تهیه خبر به ایران سفر کرد اما این بار چچیلیا قربانی توطئه جمهوری اسلامی شد. بازداشت چچیلیا در روز ۲۹ آذر سه روز بعد از بازداشت محمد عابدینی نجف آبادی که به درخواست دادستانی آمریکا و به اتهام قاچاق قطعات و تجهیزات ساخت پهپاد در فرودگاه میلان ایتالیا بازداشت شده صورت گرفته و خواهان استرداد او به آمریکا هستند.

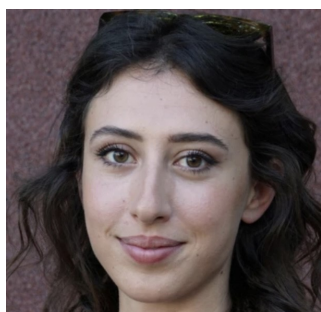
این گروگانگیری، باج گیری آشکار جمهوری اسلامی برای انتقام است که چچیلیا سالانیز قربانی توطئه جمهوری اسلامی برای آزادی محمد عابدینی نجف آبادی عامل سپاه پاسداران در آمریکا که در ایتالیا بازداشت شده است.

بارها جمهوری اسلامی برای باجگیری و آزادی تروریست های جمهوری اسلامی در خارج کشور که به اتهام قتل مخالفین و بمب گذاری بازداشت شده اند، خبرنگاران و ایرانی های دو تابعیتی را با توطئه و کلک بازداشت کرده است و چچیلیا آخرین مورد آن است.

جمهوری اسلامی در طول ۴۵ سال گذشته، قاتلین اپوزسیون در خارج کشور و تروریست ها را با سیاست کثیف گروگانگری از زندان آزاد کرده است. آخرین مورد آن معاوضه حمید نوری قاتل زندانیان سیاسی در دهه شصت که در سوئد به اتهام جنایت علیه بشریت بازداشت و به حبس ابد محکوم شده بود. در طول سالهای گذشته قاتلین فعالین اپوزسیون در خارج کشور از جمله قاتلین جنایت میکونوس در برلین، مبادله اسدی از زندان بلژیک و باجگیری مالی در قبال آزادی نازنین زاغری و نمونه های دیگری از سیاست گروگانگیری جمهوری اسلامی برای آزادی قاتلین و تروریست ها است که دولت های غربی به آن تن داده و سازش کرده اند ولی از آن درس نمی گیرند. سیسیل کوهلر به همراه ژاک پاریس دوفعال اتحادیه ای معلمان فرانسه که در ایران به اتهام امنیتی بازداشت و از اردیبهشت ۱۴۰۱ در بند ۹ زندان اوین تحت نظارت وزارت اطلاعات نگهداری می شوند.

رسانه ایرنا، در خصوص بازداشت چچیلیا سالا نوشته است که ملاقات سفیر جمهوری اسلامی با مقامات وزارت خارجه در ایتالیا را دوستانه بوده و نوشته است، که سفیر ایران هم در قبال آزادی چچیلیا سالا، خواهان آزادی محمد عابدینی نجف آبادی، زندانی در ایتالیا شده است.

جمهوری اسلامی یکی از بی پرنسبترین و منفورترین حکومت های جهان است که همه نرمهای انسانی و بین المللی را زیر پا گذاشته است. امروز جمهوری اسلامی در شرایطی قرار دارد که برای ادامه بقا به هر سیاست کثیف و جنایتکارانه ای دست می زند و آبابی از آن



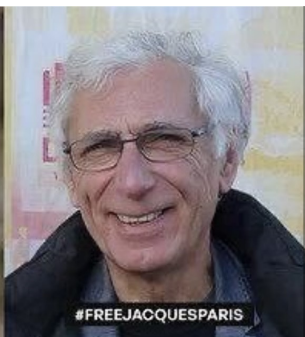
چچیلیا سالا



محمد عابدینی



سیسیل کوهلر ژاک پاریس دوفعال اتحادیه ای معلمان فرانسه



#FREEJACQUESPARIS

### راههای ارتباط با حزب حکمتیست

برای ارسال خبر، فیلم و گزارش و تماس با حزب حکمتیست از طریق واتساپ و تلگرام و تماس مستقیم با این شمارهها تماس بگیرید.

صالح سرداری ۰۰۴۹۱۷۶۶۳۴۶۱۹۴۲  
 پروین کابلی ۰۰۴۶۷۰۷۷۴۴۰۲  
 رحمان حسین زاده ۰۰۴۶۷۳۹۲۲۵۹۶۹  
 ملکه عزتی ۰۰۴۷۴۱۲۶۰۴۹۷

www.hekmatist.org

حزب کمونیست ایران - حکمتیست  
Worker-communist Party of Iran - Hekmatist

## اعدام قتل عمد دولتی است!

## ستون اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات

### اجتماعی

#### تهیه و تنظیم: هیئت تحریریه

گاز گچساران نیز دست به تجمع زدند. اهم خواسته‌های کارگران ارکان ثالث عبارتند از: حذف کامل شرکت‌های پیمانکاری، حق تشکل، تجمع و اعتراض، پایان بخشیدن به فضای ارباب و سرکوب و بازگشت به کار هرچه سریعتر یاسر احمدی نژاد کارگر معترض در ملی حفاری، اجرای صحیح طرح طبقه‌بندی مشاغل و نظام همسان دستمزد با نیروهای رسمی، ساماندهی وضعیت رانندگان، ساماندهی تردد اقماری کارگران اداری و پشتیبانی و عمل به توافقات قبلی در زمینه مرخصی استحقاقی و پرداخت حق کمپ. در اجتماعات اخیر هزاران کارگر و خانواده هایشان شرکت کردند.

**دومین روز اعتراض گسترده کارگران نفت و گاز گچساران**  
در دومین روز تجمع اعتراضی گسترده کارگران شرکت نفت و گاز گچساران، با طرح اهم خواسته‌های خود از جمله: تبدیل وضعیت قراردادها با حذف شرکت‌های پیمانی تامین نیرو، برقراری نظام عادلانه در پرداخت دستمزدها و حقوق، پاداش و مزایا، اصلاح طرح طبقه بندی مشاغل، اجرای رای ۳۱۸۸ دیوان عدالت اداری، اصلاح مالیات و تامین معیشت و درمان، دست به تجمع و اعتراض زدند.

**اجتماعات کارگران پتروشیمی آبادان در اعتراض به تعطیلی**  
روز سه شنبه ۱۱ دی ماه، کارگران پتروشیمی آبادان در اعتراض به تعطیلی این پتروشیمی و عدم پرداخت خواسته‌های خود دست به تجمع و راهپیمایی زدند. چهارشنبه ۱۲ دی ماه، کارگران پتروشیمی آبادان برای دومین روز متوالی دست به تجمع اعتراضی در مقابل فرمانداری زدند. کارگران خواهان بازگشت بکار و پرداخت دستمزدها و بیمه های معوقه خود هستند. کارگران میگویند طی سال‌های گذشته وضعیت این پتروشیمی در نتیجه عملکرد مسئولان بدتر شده و در نهایت به تعطیلی کشیده شد و کارگران بلامتکلیف ماندند. کارگران با شعار "وعده وعید کافیه سفره ما خالیه" خشمگین و معترض خواستار روشن شدن وضع بلامتکلیف خود و پرداخت فوری طلبهایشان شدند.

**اعتراض کارگران شرکت پتروپایدار**  
روز چهارشنبه ۱۲ دیماه، کارگران شرکت پتروپایدار در اعتراض به کیفیت بد غذا، فاسد بودن گوشت و مشاهده ترکیباتی غیر معمول در غذا، از خوردن غذای سلف خودداری کردند. طی چند روز گذشته چندین کارگر دچار مسمومیت غذایی شدند و تاکنون مسئولان مربوط پاسخ روشنی به معترضین ندادند.

**اجتماع و اعتراض پرستاران بیمارستان گاندی**  
پرستاران بیمارستان گاندی در اعتراض به عدم پرداخت سه ماه حقوق دست به تجمع و اعتراض زدند.

**دستمزد و بیمه معوق کارگران شرکت شمس عمران**  
روز پنجشنبه ۱۳ دیماه، مدیران شرکت مهندسی ساختمانی شمس عمران، دستمزدهای پنج ماه کارگران شاغل در این شرکت باضافه سه ماه بیمه پرسنل را پرداخت نکردند و برای کارگران و پرسنل شرکت مشکلات مالی ایجاد کردند. شرکت فوق از پیمانکاران منطقه آزاد تجاری چابهار است و از همکاران وزارت دفاع است. در مناطق آزاد که استثمار شدید و کسب سود توسط زالوهای سرمایه دار و پیمانکار بالاست، ادعا میکنند "پول نداریم" و از پرداخت دستمزدها و بیمه کارگران امتناع میکنند.

**دست و پا زدن شکست خوردگان ضد زن**  
جمهوری اسلامی در اجرای لایحه جدید حجاب و عفاف موقتا عقب نشست اما عوامل ستاد سرکوب امر به معروف و نهی از

#### اجتماع کارگران پتروشیمی ارغوان گستر ایلام

روز دوشنبه دهم دی ماه، کارگران اخراجی پتروشیمی ارغوان گستر و خانواده‌هایشان دست به تجمع اعتراضی در مقابل استانداری ایلام زدند. این کارگران که تعداد آنان حدود ۳۰۰ نفر است از خرداد ماه سال جاری بتدریج از کار خود اخراج شده اند و در این مدت برای بازگشت بکار، بارها دست به تجمع اعتراضی زده اند اما به رغم وعده های کارفرما هنوز بر سر کارهای خود بازنگشته اند و مسئولین استانی هم اقدام موثری در این زمینه انجام نداده اند.

#### تجمع بازنشستگان مخابرات اهواز

روز دوشنبه دهم دی ماه، بازنشستگان مخابرات اهواز در اعتراض به بی عدالتی و تضییع حقوق خود از سوی ستاد اجرایی خمینی و بنیاد تعاون سپاه پاسداران. دست به تجمع و اعتراض زدند.

#### تجمع بازنشستگان ۱۴۰۲ ارومیه در سالن اجتماعات اداره کل

روز دوشنبه دهم دی ماه، معلمان بازنشسته ۱۴۰۲ ارومیه در حیاط اداره کل تجمع اعتراضی برگزار کردند و سپس براساس تصمیم جمعی در سالن اجتماعات حضور پیدا کردند. در این نشست معلمان بازنشسته مراتب اعتراض شدید خود را علیه فساد و مدیران و وعده های پوچ بیان کردند و اعلام کردند پیگیرانه خوات خود را دنبال میکنند.

#### تجمع بازنشستگان ۱۴۰۲ آموزش و پرورش زنجان

روز دوشنبه دهم دی ماه، بازنشستگان ۱۴۰۲ آموزش و پرورش برای پیگیری خواسته‌های خود و در اعتراض به عدم پرداخت ۶۰ درصد سنوات در مقابل استانداری زنجان تجمع کردند.

#### تجمع بازنشستگان ۱۴۰۲ آموزش و پرورش کردستان

روز دوشنبه دهم دی ماه، بازنشستگان ۱۴۰۲ آموزش و پرورش استان کردستان برای پیگیری خواسته‌های خود و به رغم اعتراضات هفتگی و وعده وعیدها، دولت همچنان از پرداخت ۶۰ درصد باقی مانده سنوات پایان خدمت ۷۶ هزار بازنشسته فرهنگی خودداری می کند.

#### تجمع بازنشستگان ۱۴۰۲ شیراز، کرمانشاه، گلستان و مازندران

در اینروز بازنشستگان فرهنگی سال ۱۴۰۲ در مقابل استانداری های شیراز، کرمانشاه، گلستان و مازندران، جهت اعتراض به تاخیر یک سال و نیم در پرداخت پاداش خدمت خود، که ارزش آن به کمتر از نصف رسیده است تجمع کردند.

#### تجمعات بزرگ کارگران ارکان ثالث و نفت و گاز گچساران

روز سه شنبه یازدهم دی ماه، کارگران ارکان ثالث و پشتیبانی پیمانکاری شرکت پالایش گاز فجر جم، در پنجمین هفته سه شنبه های اعتراضی خود تجمع کردند. کارگران شاغل در شرکت نفت و

## ستون اخبار مبارزات کارگری و اعتراضات

### اجتماعی

#### تهیه و تنظیم: هیئت تحریریه

منکر خواستار ابلاغ قانون حجاب تا قبل از رسیدن تابستان شد. آنها فکر میکنند پوشش بیشتر در زمستان در قیاس با تابستان، به تحمل قانون کمک میکند. دبیر ستاد تهران در توثیتی با بیان اینکه "اکنون بهترین زمان برای ابلاغ قانون و ترمیم حکم‌رانی، چه ایجابی و چه سلبی است"، تاکید کرده است: "تعلل نکنید".

#### ماشین اعدام مرتب می کشد

در نخستین روز سال جدید میلادی، جمهوری اسلامی ۱۵ زندانی را اعدام کرد. این اعدام‌ها در زندان‌های ملایر، بندرعباس، یاسوج و قزلحصار کرج صورت گرفت و اتهامات افراد شامل جرائم مرتبط با مواد مخدر و قتل بوده است. از این تعداد، ۱۰ زندانی در زندان قزلحصار کرج، یک نفر در زندان ملایر، سه نفر در زندان بندرعباس و یک تن در زندان یاسوج به دار آویخته شدند. این اعدام‌ها در حالی انجام شده که نگرانی‌ها درباره افزایش شمار احکام اعدام در کشور همچنان ادامه دارد.

#### فقر شدید خانواده مصدومان معدن معدنجوی طبس

خانواده های مصدومان حادثه مرگبار ریزش معدن معدنجوی طبس پس از گذشت سه ماه می‌گویند با مشکلات مالی شدیدی مواجه شده‌اند و صدایشان به گوش کسی نمی‌رسد. خانواده برخی مجروحان به خبرگزاری ایلنا می‌گویند که سه ماه گذشته را با یک "مستمری ۱۰ میلیون تومانی" گذرانده‌اند و نسبت به قطع شدن پرداخت همین مبلغ هم نگرانند. پزشکان عذر برخی از کارگران را به دلیل "آسیب مغزی" خواسته‌اند و تشخیص "ازکارافتادگی" داده‌اند. همسر یک کارگر ۴۱ ساله که در اثر انتشار گاز متان مصدوم شده، گفته است که این کارگر پس از حادثه به کما رفت و بعد از به هوش آمدن، حافظه خود را از دست داد. او حالا خانه‌نشین شده و پولی برای پیگیری درمان ندارد.

#### احضار فعالین کارگری در سنندج

روز ۱۳ دی ماه، با ابلاغیه ای هفت نفر از فعالین کارگری و محیط زیست شهر سنندج به نام‌های اقبال شبانی، فردین میرکی، سید خالد حسینی، شیث امانی و فرشید عبدالهی از فعالین کارگری و سوسن رازانی و جمال اسدی از فعالین محیط زیست به دادگاه احضار شدند. اتهام آنها "اخلال در نظم عمومی و تبلیغ علیه نظام" است و ۵ روز فرصت دارند در شعبه بازپرسی حضور پیدا کنند. در هفته گذشته بخشی از این فعالین توسط اطلاعات سنندج احضار شده بودند و در باره شرکت در مراسمهای خاکسپاری و فعالیت‌های علنی مورد بازجویی قرار گرفته بودند.

\*\*\*

### یک دنیای بهتر

تغییر جهان و ایجاد دنیایی بهتر یک امید و آرمان همیشگی انسانها در طول تاریخ جامعه بشری بوده است. علیرغم رواج ایده های قدرگرایانه و خرافی اعم از مذهبی و غیر مذهبی حتی در دنیای باصلاح مدرن امروز، ایده هایی که هریک به نحوی علاج ناپذیری و مقدر بودن وضع موجود را تبلیغ میکنند، زندگی واقعی و عمل روزمره توده های وسیع مردم همواره حاکی از یک امید و باور عمیق به امکان پذیری و حتی اجتناب ناپذیری یک آینده بهتر است. این امید که دنیای فردا میتواند از محرومیت ها و مشقات و کمبودها و زشتی های امروز رها باشد، این اعتقاد که عمل امروز انسان ها، چه جمعی و چه فردی، در تعیین چند و چون دنیای فردا موثر است، یک نگرش ریشه دار و قدرتمند در جامعه است که زندگی و حرکت توده های وسیع مردم را جهت میدهد .

کمونیسم کارگری قبل از هر چیز به اینجا تعلق دارد، به امید و اعتقاد انسان های بیشمار و نسلهای پی در پی به اینکه ساختن یک آینده بهتر، یک جهان بهتر، بدست خود انسان، ضروری و



**Partow TV**  
تلویزیون پرتو  
رسانه تصویری حزب حکمتیست  
رسانه ای برای یک دنیای بهتر

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونیست کارگری - حکمتیست  
را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو شورایی دنبال کنید و به  
کارگران و دوستانتان معرفی کنید. آدرس خط زنده:  
<https://alternative-shorai.tv>

ماهواره: یاه ست ، فرکانس : ۱۲۵۹۴ ، پولاریزاسیون : عمودی ،  
سیمبل ریت : ۲۷۵۰۰ ، اف ای سی : ۳/۲

ساعات پخش به وقت ایران :  
هر روز از ساعت ۲۱:۳۰ تا ۲۲:۳۰  
تکرار روز بعد در ساعت های : ۳:۳۰ تا ۴:۳۰ ، ۹:۳۰ تا ۱۰:۳۰ ، ۱۵:۳۰ تا ۱۶:۳۰

## زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای و کارگری را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا ارگان حاکمیت!

## صفحه آخر

منصور حکمت:

دقیقا چون ارتجاع اسلحه دارد مردم ایران باید بازورخوشبخت شوند و خوشبختی شان را اعمال کنند. پروسه ای که در آن حزب الله پایون بزند و در مجلس بعدی بیایدو آبسترآکسیون بکنند و رای بدهد و قیام و قعود بکنند، نخواهیم داشت. در آن مملکت، سرنوشتشان را مردم مجبورند به زور تعیین کنند. اگر کسی در این فکراست که بعد از سقوط جمهوری اسلامی یک عده زیادی از جک و جانورهای دست راستس که در آن مملکت به جان مردم می افتند به مجلس مس روند و هرچه مجلس رای داد، را قبول می کنند، به نظر من خودش را فریب می دهد. برای همین است که اصرار ما بر به مردم این است که هر چه سریعتر، نهادهای سیاسی ای که ضامن آزادی و برابری است را پیدا کنند و در آن متشکل شوند. حزبیت خیلی مهم است. شوراهای کارگری خیلی مهم است. شوراهای مردمی خیلی مهم است. اتحادیه های صنفی خیلی مهم است. برای اینکه این ها تعیین می کند که بعد از جمهوری اسلامی و در جریان سقوط جمهوری اسلامی دست بالا را کی داشته باشد. اگر نداشتند آنوقت یک وضعیت سیاه بی شکلی و هرج و مرج به وجود می آید. ولی اگر واقعا حزب سوسیالیستی، شورا ها و اتحادیه های کارگری و شوراهای مردمی در دل این مبارزه شکل بگیرند آن وقت به نظر من اگر هر دست راستی اسلحه داشته باشد، اسلحه اش را در دستش خورد می کنند.

منصور حکمت: ضمیمه منتخب آثار

مصاحبه علیرضا میبیدی با منصور حکمت، بخش سوم - ۲۱ ژانویه ۱۹۹۹ - ص ۲۳۷

آدرسهای تماس با حزب  
کمونست کارگری - حکمتیست

دفتر مرکزی حزب

پروین کابلی

[daftaremarkzy@gmail.com](mailto:daftaremarkzy@gmail.com)

رئیس دفتر سیاسی

سیاوش دانشور

[siavash\\_d@yahoo.com](mailto:siavash_d@yahoo.com)

دبیر اجرایی

سعید یگانه

[saidyegane@gmail.com](mailto:saidyegane@gmail.com)

دبیر کمیته مرکزی

ناصر مرادی

[moradi.naser@gmail.com](mailto:moradi.naser@gmail.com)

دبیر کمیته سازمانده

رحمان حسین زاده

[hosienzade.r@gmail.com](mailto:hosienzade.r@gmail.com)

دبیر کمیته کردستان

صالح سرداری

[sale.sardari@gmail.com](mailto:sale.sardari@gmail.com)

دبیر تشکیلات خارج

سعید آرمان

[Saeed\\_arman2002@yahoo.co.uk](mailto:Saeed_arman2002@yahoo.co.uk)

Uk

هیئت تحریریه نشریه کمونست:

سیاوش دانشور، ملکه عزتی، سیوان  
کریمی، پروین کابلی، رحمان حسین  
زاده، هلاله طاهری، ناصر مرادی

## زنده باد شوراها!

ارگانهای اعمال اراده مستقیم توده ای را همه جا ایجاد کنید! در کارخانه  
ها و محلات شوراها را برپا کنید! امروز شورا ارگان مبارزه و قیام و فردا  
ارگان حاکمیت!

نشریه حزب کمونست کارگری ایران- حکمتیست

سردبیر سعید یگانه

[saidyegane@gmail.com](mailto:saidyegane@gmail.com)

اگر برای کمونست مقاله میفرستید:

منفکلی  
کمونستسردبیر در انتشار و رد و تلخیص مقالات آزاد است. نشریه کمونست تنها مقالاتی را منتشر میکند که  
برای این نشریه تهیه شدند. مطالب باید حداکثر تا ظهر پنجشنبه دریافت شده باشند.

برنامه های تلویزیون پرتو، رسانه حزب کمونست  
کارگری-حکمتیست را بطور زنده از طریق کانال آلترناتیو  
شورایی دنبال کنید و به کارگران و دوستانتان معرفی کنید.  
آدرس خط زنده:

<https://alternative-shorai.tv/>

زنده باد سوسیالیسم!